چند خط تاریخ

فروپاشی ارتش شاه به روایت «هایزر»

«طوفانیان گفت: هیچ امیدی نیست. تیمسار جم پیشنهاد وزارت جنگ را نپذیرفته است. هم من و هم بختیار از او خواهش کردیم که برای دو سه هفته هم که شده است، این پست را بپذیرد و اجازه دهد فقط از اسمش استفاده کنیم، اما باز هم رد کرده است. به جم گفتم من تمام مسئولیت‌های کار را شخصاً برعهده می‌گیرم و او فقط اجازه دهد نامش در فهرست وزیران باشد، اما او کاملا بی اعتنا بود.» آن‌چه خواندید، فرازی از خاطرات «رابرت هایزر» است؛ همان ژنرال چهارستاره آمریکایی که در دی‌ماه سال ۱۳۵۷، برای سازمان دهی ارتش شاه، وارد ایران شد. جالب این‌جاست که بسیاری از مقامات رژیم پهلوی، اصولا از ورود وی بی‌اطلاع بودند. «هایزر» بعدها دست به نگارش خاطرات خود زد. او در خاطراتش، به طور تلویحی از فروپاشی ارتش و عزم سست فرماندهان ارشد برای حمایت از شاه سخن گفت. تلاش‌های «هایزر» برای قانع کردن ژنرال‌های شاه برای دفاع از وی، راه به جایی نبرد. همه آن‌ها، آشکارا ترسیده بودند. او می‌نویسد: «از طوفانیان خواستم که برای برون رفت از مشکل پیش رو، راهکاری ارائه کند؛ اما او گفت: من باید نگرانی اصلی خودم را با شما در میان بگذارم؛ راهی برای بقای من وجود ندارد، من باید راهی برای خارج شدن از کشور پیدا کنم.» این در حالی بود که هنوز شاه در کشور حضور داشت. وضع دیگر نظامیان نیز چندان بهتر نبود. آن‌ها تنها عادت کرده بودند درباره مسائل مختلف، گزافه گویی کنند و لاف بزنند». «هایزر» می‌نویسد: «طوفانیان گفت: من مایلم مسئولیت بپذیرم، اما می‌خواهم تهدیداتی را که علیه جان من وجود دارد، درک کنید. باید بدانید که این تهدیدات جدی است. تنها راهی که برای ماندن من در ایران وجود دارد، این است که در صورت رفتن شاه، ارتش یک کودتا صورت دهد. پرسیدم: آیا فرماندهان ارتش آماده‌اند کودتا کنند؟ به آرامی و با افسردگی به من گفت: نه هیچ برنامه‌ای برای کودتا وجود ندارد؛ همه به فکر خودشان هستند و می‌خواهند از مهلکه بگریزند.» گزارش «هایزر» از روزهای پیش از فرار شاه، با آن‌چه پس از آن روی داد، تطبیق می‌کند. ژنرال‌های پهلوی دوم که در برابر او همواره ادعای جان‌نثاری و فرمانبرداری می‌کردند، پیش از آن‌که او بگریزد، ترسان و افسرده، در فکر فرار بودند.

قاب تاریخ

ناصرالدین‌شاه و برادرش؛ یهویی!

عبدالصمد میرزا ملقب به عِزّالدوله، در سال ۱۲۲۴ هـ.ش در تهران متولد شد. او چهارمین پسر محمدشاه قاجار بود. عبدالصمد به دلیل حرف شنوی و البته، علاقه نداشتن به کسب قدرت، مورد توجه ناصرالدین شاه بود و به حکومت قزوین منصوب شد و تا سال ۱۲۷۱ در همان‌جا ماند و بعدها، حکومت همدان، زنجان، ملایر و تویسرکان را تجربه کرد و در سفر اول ناصرالدین‌شاه به فرنگ، با او همراه شد. عبدالصمد به تاریخ علاقه فراوانی داشت. او با دختر اعتضادالسلطنه، پنجاه و چهارمین پسر فتحعلی‌شاه قاجار ازدواج کرد. عبدالصمد، مدتی ایلخانی ایل قاجار را برعهده داشت، اما به دلیل نداشتن حوصله، بی‌خیال این کار شد. او ترجیح می‌داد اوقاتش را در باغ فردوس، جایی در غرب تهران قدیم، بگذراند و کتاب بخواند. با مرگ ناصرالدین‌شاه، سکه عبدالصمدمیرزا هم از اعتبار افتاد و او هم رفت و دست صدها شازده قجری که فقط از حکومت مواجب می‌گرفتند تا دهانشان را ببندند. وی پس از اجباری شدن نام خانوادگی، به دلیل وابستگی خانواده مادرش به ایل ترکمن سالور، نام خانوادگی سالور را برگزید و عملاً، نسب قاجاری‌اش بر افراد ناآشنا، مکتوم ماند. عبدالصمدمیرزا، در دارالفنون تحصیل کرده و زبان فرانسه آموخته بود. در تصویر امروز، او را در کنار ناصرالدین‌شاه می‌بینید؛ عبدالصمدمیرزا در میان برادرانش، از همه کوتاه‌قدتر بود. وی در سال ۱۳۰۸ هـ.ش درگذشت و سقوط قاجاریه را به چشم دید.

فرار با ۳۸۴ چمدان!

الماس‌ها و ثروتی که شاه و خانواده‌اش هنگام گریختن از ایران با خود بردند، چقدر بود؟

شاه و فرح در فرودگاه مهرآباد هنگام فرار از کشور

گروه اندیشه – رضاخان هنگام رسیدن به مقام سردار سپهی، پس از کودتای سوم اسفند سال ۱۲۹۹، آه در بساط نداشت؛ نه ملکی و نه ثروت منقولی که بتواند دستمایه امور سیاسی و اقتصادی کند. اما در شهریور ۱۳۲۰، وقتی که می‌خواست از ایران بگریزد یا به عبارت بهتر، از شر روس‌ها به انگلیسی‌ها پناه ببرد تا او را به تبعید ببرند، یکی از ثروتمندترین مردان دنیا بود؛ بیش از ۷۰ درصد اراضی کشاورزی مرغوب کشور را در تملک داشت و مالک هفت هزار دهکده شناخته می‌شد! پهلوی اول، افزون بر سرمایه ۹۰ میلیون تومانی در بانک ملی ایران، ده‌ها میلیون پوند پول در بانک‌های انگلیس سپرده‌گذاری کرده بود. این ثروت سرشار، بی‌تردید با عرق جبین و کدّ یمین به دست نیامد. خاندان پهلوی با همین ثروت غارت شده به توسعه قدرت خود پرداخت و بعدها، به ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، همه شریان‌های اقتصادی کشور را در اختیار گرفت و از سود ناشی از افزایش قیمت نفت، نهایت بهره‌برداری را کرد.

> روزنامه فایننشنال تایمز، ضمن گزارشی از اموال شاه در خارج از کشور، رقم ۳۵ میلیارد دلار را در سال ۱۳۵۷، معتبرتر از بقیه ارقام اعلام شده درباره حجم اموال و پول‌های خارج شده، دانست و بی‌تردید این چمدان‌ها، بخش معتنابهی از این مبلغ را در خود جا داده بود؛ با این حال، بعدها فرح دیبا مدعی شد کل اموال خارج شده، فقط ۶۲ میلیون دلار ارزش داشته است!

پهلوی‌ها، هنگام خروج از ایران، میلیاردها دلار ثروتی را که با غارت اموال ایرانیان اندوخته بودند، با خود بردند و این، یکی از مباحثی است که تا کنون، در سالروز فرار شاه، کمتر به آن پرداخته شده است.

■ بی‌تابی برای فرار

فرار برای محمدرضا پهلوی، هرگز آخرین راهکار نبود، بلکه در صدر نقشه‌های او، هنگام احساس خطر، قرار داشت! وی در تابستان سال ۱۳۳۲، وقتی نتوانست در برابر دولت مصدق مقاومت کند و البته، نسخه آلفای کودتا را شکست خورده دید، فرار را برقرار ترجیح داد. یکی از ویژگی‌های رفتاری محمدرضا پهلوی، پیش‌بینی همیشگی این مسئله بود که هر آن، امکان دارد شخصی علیه وی کودتا کند و با همان شیوه‌ای که پدرش به سلطنت رسید، او را از تخت به زیر بکشد. شاید نقشه فرار، از معدود برنامه‌هایی بود که پیش‌بینی‌های مورد نیاز آن، با وسواس اجرا می‌شد و هیچ اشتباهی در این زمینه، برای شاه قابل اغماض نبود. او از آغاز دی‌ماه سال ۱۳۵۷ و پس از آن‌که غلامرضا ازهاری، مریضی را بهانه و استعفا کرد، به فکر گریختن از ایران بود. این‌که آیا آمریکایی‌ها به او چنین تکلیف کرده بودند، به تحقیق معلوم نیست؛ هر چه بود، محمدرضا برای انتخاب نخست‌وزیر جدید و در واقع برای فرار، بی‌تابی می‌کرد و حتی به افرادی مانند علی امینی که می‌خواست سر به تنشان نباشد، رو انداخت و دست آخر مجبور شد، شاپور بختیار را به عنوان نخست‌وزیر معرفی کند تا بتواند هر چه زودتر از کشور بگریزد. جلسه اخذ رأی اعتماد برای بختیار، روز ۲۶ دی‌ماه برگزار شد؛ اما شاه از روز ۲۳ دی‌ماه، با پیشنهاد فرح دیبا، دستور داده بود چمدان‌هایش را برای یک سفر طولانی ببندند.

■ چمدان‌های عجیب

به نظر بسیاری از کارکنان دربار، این اقدام چیز عجیبی نبود. شاه معمولاً برای مسافرت‌های تفریحی به سوئیس می‌رفت و ممکن بود چند ماهی آن‌جا بماند؛ اما این بار اتفاقی افتاد که برای همه غیرمعمول به نظر می‌رسید؛ به دستور فرح، تعداد زیادی چمدان بزرگ آماده شده بود تا وسایلی داخل آن‌ها قرار داده شود. کارکنان دربار حیرت‌زده مانده بودند که این همه چمدان برای چیست؟ وسایل شخصی شاه و خانواده‌اش، پیشتر از قصر خارج شده بود و دیگر نیازی به بسته‌بندی جدید وسایل وجود نداشت. طبق صورتجلسه‌ای که توسط رئیس تشریفات دربار تنظیم شد و بعدها در قالب مدارک و اسناد، توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی در اختیار پژوهشگران قرار گرفت، شمار چمدان‌ها از رقم ۳۰۰ گذشت و به ۳۸۴ عدد رسید. روی چمدان‌ها، برچسب‌های اختصاصی دربار خورده بود. یک تیم از افراد مورد اعتماد فرح، مسئولیت بسته‌بندی و مهر و موم کردن چمدان‌ها را برعهده داشتند؛ این‌جا بود که راز آن چمدان‌ها برملا شد؛ جواهرات سلطنتی، نیم‌تاج‌های الماس که یکی از آن‌ها سه هزار و ۳۸۰ قطعه الماس، ۵۰ قطعه زمرد، ۳۶۸ حبه مروارید و حدود دو کیلوگرم وزن داشت، فقط یکی از اقلام بسته‌بندی را تشکیل می‌داد. تاج مخصوص فرح نیز، با ۱۶۴۶ قطعه الماس و جواهر، ضمیمه اقلام ارسالی شد. صدها شیء عتیقه نیز که از مدت‌ها قبل جمع‌آوری شده بود، در چمدان‌ها جا داده شد و همه را برای بارگیری به فرودگاه فرستادند. برخی از کارکنان دربار که می‌دانستند این گریز را بازگشتی نیست، مخفیانه تعدادی از چمدان‌ها را دزدیدند و دیگر اثری از اشیای ربوده شده به دست نیامد! شاه با محموله ۳۸۴ چمدانی خود به فرودگاه مهرآباد گذشت و... فرار کرد. تخمینی که از ثروت انتقال یافته در آن روز زده می‌شود، خیلی دقیق نیست؛ چون هیچ کس نمی‌داند چه حجمی از ثروت ملی، با این چمدان‌ها خارج شد؛ اما بعدها، روزنامه فایننشنال تایمز ضمن گزارشی از اموال شاه در خارج از کشور، رقم ۳۵ میلیارد دلار را در سال ۱۳۵۷، معتبرتر از بقیه ارقام دانست و بی‌تردید این چمدان‌ها، بخش معتنابهی از این مبلغ را در خود جا داده بود؛ با این حال، بعدها فرح دیبا مدعی شد کل اموال خارج شده، همه‌اش ۶۲ میلیون دلار ارزش داشته است!

> جواهرات سلطنتی، نیم‌تاج‌های الماس که یکی از آن‌ها سه هزار و ۳۸۰ قطعه الماس، ۵۰ قطعه زمرد، ۳۶۸ حبه مروارید و حدود دو کیلوگرم وزن داشت، فقط یکی از اقلام بسته‌بندی شده در چمدان‌ها را تشکیل می‌داد. تاج مخصوص فرح نیز، با ۱۶۴۶ قطعه الماس و جواهر، ضمیمه اقلام ارسالی شد

■ همه خانواده پهلوی!

فقط محمدرضا پهلوی نبود که هنگام فرار، چنین سرمایه هنگفتی را از کشور خارج کرد. برادران و خواهران او نیز، چنین رویه‌ای را در پیش گرفتند. شاه از سال ۱۳۳۷، بنیاد پهلوی را به منظور سودآوری بیشتر برای سرمایه خود و خانواده‌اش تأسیس کرد. این بنیاد، خود به محلی برای فسادهای بزرگ و رانت‌خواری‌های گسترده تبدیل شد و نقش اشرف در این روند، بیش از دیگر برادران و خواهران شاه بود. بنیاد پهلوی تنها در نیویورک یک آسمان‌خراش ۳۶ طبقه ساخته بود و سهام عمده پنج بانک ایران را در اختیار خود داشت. خواهر دوقلوی شاه، در صدر سیاهه غارتگری اعضای خانواده پهلوی قرار می‌گرفت. او افزون بر ثروت هنگفتی که از طریق بنیاد پهلوی و سهام‌های ریز و درشت آن اندوخته بود، یکی از قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر به حساب می‌آمد و با گردن کلفت‌های فعال در این عرصه، در سراسر دنیا ارتباط داشت. او و بیشتر برادران و خواهرانش، چند ماه قبل از شاه ایران را ترک کردند و ثروت‌های خود را با اضطراب کمتری انتقال دادند؛ مستغلات فراوان و بیرون از شماری که تنها بخشی از آن‌ها به فروش رسید و پولش، در قالب ارز، از کشور خارج شد. اشرف با ثروت افسانه‌ای که در اختیار داشت، در فرانسه، آمریکا و انگلیس، املاک مرغوب فراوانی خرید و فقط منزلی که در نیویورک داشت و اتفاقاً در همین خانه هم مُرد، بیش از ۶۰ میلیون دلار می‌ارزید. غلامرضا پهلوی، برادر ناتنی شاه نیز، نمونه قابل ذکری در این زمینه است؛ او که به عنوان خسیس‌ترین فرد خاندان پهلوی شناخته می‌شود، در دوران حضور در ایران، سهام صدها شرکت را در اختیار داشت. غلامرضا، یک سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود یک میلیارد دلار ثروتش را به خارج از ایران انتقال داد و زودتر از دیگر برادران و خواهرانش از ایران گریخت.

> اشرف با ثروت افسانه‌ای که در اختیار داشت، در فرانسه، آمریکا و انگلیس، املاک مرغوب فراوانی خرید و فقط منزلی که در نیویورک داشت و اتفاقاً در همین خانه هم مُرد، بیش از ۶۰ میلیون دلار می‌ارزید. غلامرضا پهلوی، برادر ناتنی شاه نیز، نمونه قابل ذکری در این زمینه است. غلامرضا، یک سال پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، حدود یک میلیارد دلار ثروتش را به خارج از ایران انتقال داد و زودتر از دیگر برادران و خواهرانش از ایران گریخت

یادمان

در آستانه سالروز شهادت نواب صفوی و یارانش

آخرین سخنان یک مبارز

سحرگاه روز یک‌شنبه، ۲۷ دی‌ماه سال ۱۳۳۴، میدان بزرگ پادگان لشکر دو زرهی تهران، شاهد به شهادت رسیدن رادمردانی بود که عمر و جوانی خود را فدای اسلام کرده بودند؛ رادمردانی که نام خود را «فدائیان اسلام» گذاشته بودند و برای عزت اسلام و مسلمانان، حتی از نثار خونشان، دریغ نکردند. در آن سحرگاه خونین، سیدمجتبی نواب صفوی، مظفر ذوالقدر، خلیل طهماسبی و سیدمحمد واحدی، در آخرین لحظات حیاتشان، فریاد تکبیر سر دادند تا پژواک صدایشان، در کنگره تاریخ طنین‌انداز شود و خفتگان را بیدار کند.

■ واپسین نهیب به تیره‌دلان

رهبر فدائیان اسلام، تا آخرین لحظات عمر، امیدوار بود که سخنان پرالتهابش، در دل تیره‌دلان تأثیر بگذارد و آینده‌ای بهتر را برای آن‌ها رقم زند. پیش از آن‌که روح بلند نواب به آسمان‌ها پر بکشد، با صدای رسای خود خطاب به حاضران در میدان، سخنانی ایراد کرد، که یادگار ماندگار آن مجاهد نستوه برای آیندگان است: «شما بندگانی ضعیف در برابر خدای جهان هستید، چند روزه دنیا به زودی می‌گذرد، کاری کنید که در جهان دیگر در برابر آفریدگارتان شرمنده نباشید.»

■ به اسلام رو بیاورید تا در دو جهان به عزت برسید

«شما به دستور شاه ستمگر ما را شهید می‌کنید، ولی طولی نمی‌کشد که همگی از این کردار زشت پشیمان می‌شوید، آن روز پشیمانی دیگر سودی ندارد. شما باید سرباز اسلام باشید و در راه دین بجنگید، نه این که سلاحتان را برای حفظ حکومت شاه، رو به سینه عاشقان اسلام نشانه بگیرید. روزی حقایق آشکار می‌شود و آن وقت، از این که از شاه حمایت کرده‌اید پشیمان خواهید شد. ای افسران و مقامات عالی مرتبه ارتش! شما هم به جای این که خود را به حکومت پوسیده و فاسد شاهنشاهی بفروشید، به اسلام رو بیاورید تا در دو جهان به عزت برسید. فریب این درجه‌ها و مقامات ظاهری را نخورید و بدانید که قیامت بسیار نزدیک است. والسلام.»

خراسان
پذیرش غیرحضوری آگهی‌های تبلیغ، تقدیر و تشکر
پذیرش تلفنی:
۳۷۰۰ ۹۹۹۹
پذیرش تلگرامی:
۰۹۱۵۴۷۱۱۳۰۰

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی شماره ۹۸/۱۲۵
خرید تیغه جداساز هوایی پلیمری
(نوبت دوم)
شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی
این شرکت در نظردارد ۳۹۰۰ عدد تیغه جداساز هوایی پلیمری را از طریق مناقصه عمومی خریداری نماید. لذا از تمامی تامین کنندگان دعوت می شود جهت دریافت، تکمیل و تحویل اسناد مناقصه به شرح درج شده در سایت شرکت به آدرس اینترنتی www.kedc.ir و یا سایت توانیر به آدرس اینترنتی www.tavanir.org.ir مراجعه فرمایند.
www.kedc.ir
روابط عمومی شرکت توزیع نیروی برق استان خراسان رضوی

آگهی تجدید مناقصه شماره ۹۸/۷۳-۷۰
مناقصه گزار: شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی

ردیف	مشخصات کالا	شهر	برآورد قیمت(ریال)	مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار(ریال)	فهرست بهاء	رشته مورد نظر
۷۰	عملیات اجرای شبکه جمع آوری و نصب انشعابات فاضلاب به صورت پراکنده سطح شهر محلات	محلات	۳,۱۰۰,۲۱۷,۳۳۰	۱۵۵,۰۱۰,۸۶۶	شبکه جمع اوری فاضلاب سال ۹۸	آب
۷۳	عملیات اجرای شبکه جمع آوری و نصب انشعابات فاضلاب شهر دلیجان به صورت پراکنده	دلیجان	۴,۱۲۹,۸۴۸,۳۳۳	۲۰۶,۴۹۲,۴۱۶	شبکه جمع اوری فاضلاب سال ۹۸	آب

محل تامین اعتبار: جاری
نوع برگزاری: یک مرحله ای
مهلت دریافت اسناد: از تاریخ ۹۸/۱۰/۲۸ الی ۹۸/۱۰/۳۰
مهلت تحویل پیشنهادات: از تاریخ ۹۸/۱۱/۰۱ الی ۹۸/۱۱/۱۳
تاریخ بازگشایی پاکات: ۹۸/۱۱/۱۵
محل تحویل اسناد: دفتر امور قراردادها - شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی به نشانی:
اراک -کوی رضوی - میدان شهید نجفی (مادر) - تلفن تماس: ۳۲۷۸۳۱۰۰-۰۸۶ داخلی ۲۱۳
- تاریخ اعتبار پیشنهاد: سه ماه (پیشنهادات فاقد امضاء مشروط ومخدوش وپیشنهاداتی که بعداز انقضاء مدت مقرر در فراخوان واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد)
- نوع تضمین شرکت درفرآیندارجاع کار: ضمانت نامه بانکی-فیش واریزی به حساب ۰۱۰۵۶۹۱۷۰۸۰۰۰ حساب بانک ملی -چک تضمینی بانکی به درخواست شرکت مناقصه گر (پیمانکار)در وجه شرکت -مطالبات قطعی تایید و بلوکه شده نزد شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی
پایگاه اطلاع رسانی شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی www.abfamarkazi.ir
پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات: http://iets.mporg.ir
روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب استان مرکزی

آگهی مزایده اموال غیرمنقول کلاسه ۹۷۰۸۰۳۰